



نزدیک دنباله روان ها نخواهد بود. اما فعالان جنبش نوپای ضد هسته ای در برلین یک استدلال خوب برای این تصمیم داشتند؛ این که یک نفر باید در این زمینه پیش قدم شود و به عنوان پیشگام عمل کند. ضمن این که گرایش دنیا این است که پذیرای ایده های آلمانی، فناوری آلمانی و فوتبال آلمانی است. با این وجود آلمان تاکنون در متقاعد کردن دیگران درباره خروج از انرژی هسته ای، ناکام بوده است. در مقابل، پیشگام فعلی در این عرصه، کشور چین است. پکن برنامه ریزی کرده است که تعداد ایستگاه های برق هسته ای خود را از ۱۵ مورد فعلی به ۷۱ مورد تا سال ۲۰۲۰ برساند و میزان برق هسته ای این کشور از رقم ۱۳ گیگاوات فعلی به ۱۶۰ گیگاوات تا سال ۲۰۴۰ افزایش یابد. در مقام مقایسه، آمریکا در حال حاضر ۱۰۱ گیگاوات برق هسته ای تولید می کند.

ظرف یک نسل، چین به برترین کشور هسته ای جهان تبدیل خواهد شد. البته چین در عرصه انرژی های تجدیدپذیر نیز سرمایه گذاری می کند به گونه ای که این کشور مدت ها در صدر فهرست بازیگران برتر تولید برق بادی و خورشیدی در جهان بوده است. اما جمعیت ۱/۳ میلیاردی چین تشنه انرژی است، اقتصاد این کشور نیز به رشد خود ادامه می دهد و شهرهای جدید و صنایع جدید به معنای افزایش تقاضا برای الکتریسیته است. تاکنون برق مورد نیاز چین به طور عمده توسط انرژی زغال سنگ تامین شده است که آلودگی بسیار بالایی دارد. امروزه در چین باور عمومی بر این است که انرژی هسته ای تنها راه جلوگیری از خفه شدن بر اثر دود است.

افتتاح پرهزینه سیاست انرژی آلمان

سایت فایننشال تایمز نیز طی گزارشی در اکتبر ۲۰۱۴ اعلام کرد: هر مدت ها به عنوان قدرتمندترین سیاستمدار اروپا به ویژه از لحاظ اعتماد به نفس تحسین می شده است، کسی که به آلمان کمک کرد تا جایگاه خود را به عنوان منبع قدرتمند اقتصادی اتحادیه اروپا تثبیت کند. اما هیچ یک از تصمیمات سیاست داخلی صدراعظم آلمان بدون اشتباه نبوده است. در حالی که اقتصاد کشورش علایمی از تزلزل را نشان می دهد، هر کل بدترین تصمیم دوره ۸ ساله فعالیت خود را اتخاذ کرد، این تصمیم چیزی نبود جز کنار گذاشتن تدریجی برق هسته ای از ترکیب انرژی آلمان.

تصمیم هر کل بیش از همه به خانواده ها و اقتصاد این کشور ضربه وارد می کند. در حال حاضر صورت حساب های انرژی خانگی در این کشور بیش از ۴۸ درصد از متوسط اروپا بالاتر است. شرکت های کوچک و متوسط آلمانی روز به روز وضعیت شان بدتر می شود، هزینه های آنان ۲ برابر هزینه های رقبای اروپایی است.

تعطیلی تدریجی ایستگاه های برق هسته ای شرایط دشوار موجود را بدتر خواهد کرد. خانم هر کل این تصمیم را در پی حادثه سال ۲۰۱۱ ژاپن اتخاذ کرد و بر خلاف احتیاط و محافظه کاری معمولش، عجولانه عمل کرد غافل از این که اتخاذ چنین سیاستی در عرصه انرژی این کشور ۲ هزینه بزرگ به کشور تحمیل می کند؛ اول این که تعطیلی این راکتور ها به معنای سوزاندن زغال سنگ بیشتر برای تامین انرژی مورد نیاز کشور است چرا که انرژی تولیدی از منابع باد و خورشید ادواری است و آلمان همیشه مجبور به اتکا به سوخت های فسیلی برای تامین انرژی پشتیبان است، دوم این که سیاست ضد هسته ای آلمان، این کشور را بیش از پیش به واردات گاز طبیعی از روسیه وابسته می کند. در هر حال هرگز نمی توان پارادوکس سیاست انرژی آلمان را نادیده گرفت. این کشور متعهد شده است که میزان انتشار دی اکسید کربن را کاهش دهد اما در عین حال در حال ساخت ایستگاه های تولید برق از زغال سنگ است. این کشور روز های آفتابی چندانی ندارد، اما بخش اعظم آینده انرژی خود را به برق خورشیدی منوط کرده است. این کشور در حال تعطیل کردن نیروگاه های قدرتمند و باراندامان بالای خود است در حالی که به واردات انرژی از فرانسه متکی است.

خانم هر کل ممکن است هنوز قدرتمندترین سیاستمدار اروپا باشد، اما در عرصه سیاست انرژی، به کشورش آشفتگی پرهزینه ای تحمیل کرده و ضروری است که در این زمینه بازنگری کند.

حکایتی عبرت انگیز از تاثیر ناگوار سیاست های انرژی بر اقتصاد

سایت تلگراف نیز طی گزارشی در اوایل سال ۲۰۱۴ اعلام کرد: تغییر سیاست آلمان به سمت انرژی های تجدیدپذیر که زمانی گل سرسید سیاست های هر کل بود، اکنون به بزرگ ترین دردسری مبدل شده است. صدراعظم آلمان در اولین مصاحبه تلویزیونی اش پس از انتخاب دوباره، گفت: برای من اولویت دارترین مسئله، طراحی انقلاب انرژی است. ماتحت فشار بسیاری هستیم. آینده مشاغل و آینده آلمان به عنوان محلی برای تجارت، به این مهم وابسته است.

او اشتباه نمی کند، بزرگ ترین کشور و بزرگ ترین اقتصاد اروپا با بحران مواجه است. افتتاح به بار آمده، بر سر انرژی به حدی است که آینده رقابت جویی اقتصادی آلمان که همیشه زبازد همگان بوده، به طور جدی در معرض تهدید قرار گرفته است. خانم هر کل در حال حاضر مشهورترین رهبر اروپا است، اما واکنش های فزاینده ای علیه سیاست های بدون برنامه اش در عرصه انرژی ایجاد شده است. علاوه بر این سیاست های وی به افزایش انتشار دی اکسید کربن انجامیده است. در واقع با وجود گرایش آلمان به انرژی های تجدیدپذیر و خورشیدی بر اساس گزارش مرکز تحقیقات بین المللی آب و هوا و محیط زیست، میزان انتشار کربن در این کشور طی سال گذشته بار شد ۱/۸ درصدی مواجه شد. این در حالی است که در اتحادیه اروپا این میزان ۱/۳ درصد کاهش داشته است.

خانم هر کل در این زمینه نمی تواند هیچ کس را مقصر بداند چون فقط خودش مقصر است. حادثه راکتور فوکوشیما باعث مرگ کسی نشد، اما سونامی ژاپن ۱۶ هزار کشته برجا گذاشت. با این وجود همان حادثه فوکوشیما کافی بود تا طبقه متوسط سبزهای آلمان را به وحشت بیندازد.

خانم هر کل در برابر تقاضاهای شدید برای تعطیلی راکتور های هسته ای کشور مجبور به عقب نشینی شد، اتخاذ این تصمیم توسط او که در گذشته شیمی دان و شخصاً طرفدار انرژی هسته ای بوده است، شاید مهم ترین تصمیم اقتصادی محسوب می شود، اما این یک فاجعه است.

در مارس سال ۲۰۱۱ در اوج رکود منطقه یورو، آلمان ۸ راکتور از ۱۷ راکتور هسته ای خود را خاموش و بدین ترتیب منبع تامین ۷ درصد برق مورد نیاز خود را قطع کرد. ۹۰ راکتور دیگر این کشور نیز از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ تعطیل می شود.

آلمان همچنین اجرای طرح energiewende را تشدید کرد با این هدف که ۸۰ درصد الکتریسیته مورد نیاز کشور را تا سال ۲۰۵۰ از منابع تجدیدپذیر باد و خورشید تامین کند. در این راستا زمین های پوشیده با پنل های خورشیدی و مزارع بادی دریای شمال ممکن است خودخواهی سبز طبقه متوسط

آلمان را ارضاء کرده باشد، اما به بهای هزینه های هولناک اقتصادی و اجتماعی تمام شده است. بر اساس برآورد مجله علمی بین المللی "نیچر"، مصرف کنندگان آلمانی امسال باید ۲۰ میلیارد یورو برای یارانه برق نیروگاه های خورشیدی، بادی و بیوگاز بپردازند، برقی که قیمت واقعی آن در بازار ۳ میلیارد یورو است.

برای تامین هزینه این ماجراجویی سبز دولت آلمان، هزینه اضافی تحمیلی به خانوارها تنها در سال گذشته، با ۴۷ درصد افزایش همراه بوده است. مصرف کنندگان آلمانی در حال حاضر بالاترین قیمت برق را در اروپا می پردازند و به زودی نیز هر خانواده متوسط ۳ نفره آلمانی مجبور به پرداخت ماهیانه ۹۰ یورو برای برق خواهد بود، میزانی که نسبت به سال ۲۰۰۰ با افزایش ۲ برابری همراه خواهد بود. در حال حاضر نیز سالانه بیش از ۳۰۰ هزار خانوار آلمانی شاهد قطعی برق شان به دلیل پرداخت نکردن صورت حساب بوده اند.

دوسوم از افزایش بهای برق به واسطه اضافه دریافتی ها و مالیات دولت برای تامین یارانه انرژی تجدیدپذیر است.

علاوه بر تمام این موارد، مشکلات جدی در عمل در حال ظهور است که به این معضل برمی گردد که انرژی بادی و خورشیدی نامتعادل است و این بدان معناست که آلمان نیازمند ظرفیت ذخیره سازی ۲۰ تا ۳۰ میلیارد کیلووات ساعت برق تا سال ۲۰۵۰ است، در حالی که تاکنون ظرفیت ذخیره سازی این کشور تنها ۷۰ میلیون کیلووات ساعت است.

آلمان با مشکلات پیچیده ای روبه روست، زمانی که باد دست از وزیدن بردارد و خورشید در آسمان نباشد، منبع تامین برق شبکه ملی این کشور با مشکل مواجه می شود. به همین دلیل آلمان به نحو فزاینده ای به افزایش مصرف نفت سنگین و نیروگاه های زغال سنگ روی آورده که این امر نیز به نوبه خود موجب افزایش میزان انتشار دی اکسید کربن شده است. آلمان همیشه عادت به ایراد موعظه های معروف درباره اهمیت رقابت جویی برای بقیه اروپا داشته، اما اکنون تصویر جدیدی در حال شکل گرفتن است، صنعت آلمان دچار مشکل شده است. بهای انرژی در این کشور ۴۰ درصد گران تر از فرانسه و هلند است و صورت حساب ها در این کشور ۱۵ درصد بالاتر از متوسط اروپاست. با وجود این که دولت سعی کرده است با کاهش مالیات دریافتی به آن دسته از بخش های تولیدی آلمان که به شدت به انرژی وابسته هستند، تا حدودی کمک کند، اما صنایعی مانند صنایع شیمیایی و فولاد به شدت متضرر شده اند. این بار و فشار وارده، پس از تحقیقات کمیسیون اروپا درباره کاهش مالیات در این کشور، از این هم بیشتر خواهد شد.

آلمان اکنون به یک حکایت عبرت انگیز برای اروپا تبدیل شده، نمونه ای که به وضوح تاثیر مخرب اتخاذ سیاست های غلط در بخش انرژی را به تصویر کشیده، سیاست هایی که به پیکره اقتصاد این کشور جراحات مرگباری وارد کرده است و در این میان مصرف کنندگان و قشر ضعیف جامعه بیشتر از همه در حال پرداخت تاوان این اشتباه هستند.